

# «هوالحكيم»

عنوان:

کتب تاریخ اسلام موجب اطمینان و ظن هم نمی شود!



دکتر باقر پورکاشانی

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى الْيَاسِرِ الْمُرْتَدِّ الْمُنْجِبِ الزَّمَانِ



『@SERATEHAGHI』

گاهی اوقات زیاد شاید شما برخورد داشته باشید چه در فضای حقیقی و بیشتر در فضای مجازی، که طرف مثلاً يك کتابی رو میاره از تاریخ مسعودی، از تاریخ طبری؛ بعد می‌گه نگاه کنید امیرالمؤمنین این کار رو کرده! پیامبر این کار رو کرده! نگاه می‌کنی يك چیز زنده‌ای هم هست، يك چیز زشتی هم هست! خب می‌گه این هم مورخ معروف اسلامی دیگه! پس شما باید قبول بکنید! مطلب رو نگاه می‌کنیم می‌بینیم واقعاً در کتاب چنین چیزی هست، ترجمه‌اش هم درسته! از اون جهت نگاه می‌کنیم خب می‌گیم این‌ها معصوم بودن جایگاه داشتن، این رو چه جوری، تاریخ رو چه جوری با این جمع بکنیم؟! ببینید يك نکته‌ای رو به صورت کلی خدمت دوستان عرض بکنم؛ این تواریخی که به دست ما رسیده از صدر اسلام، اون‌هایی که ثبت و ضبط می‌کردن، به‌طور اکثر در زمان خلفایی بوده که غصب خلافت اهل‌البیت رو کردن! مثلاً فرض کنید از زمان بنی‌امیه می‌نوشتن، اوج خودش به زمان بن‌العباس رسیده، و خب این‌ها کسانی بودن که تفکراتی داشتن، موضع داشتن نسبت به ائمه‌ی معصومین! دلیل موضع داشتنشون این هست که این‌ها ائمه‌ی معصومین رو به شهادت رسانیدند و بالاترین ظلم‌ها و جنایت‌ها رو این‌ها انجام دادن!

خب این تاریخ در این زمان نوشته شده! تاریخ که در این زمان  
 نوشته شده، تحت لوای حکومت وقت نوشته شده و حکومت وقت  
 از این مورخ و تاریخ‌نویس حمایت می‌کرده! یعنی به تعبیری يك  
 مورخ درباری بوده! وگرنه که اونقدر خفقان بوده که ائمه‌ی معصومین  
 رو اجازه‌ی نقل حدیث نمی‌دادن، چه برسه يك نفر بخواد يك کتابی  
 رو جمع‌آوری بکنه، این رو بخواد کتابت بکنه و در نسخه‌های  
 مختلف به صورت آزاد بتونه نشر بده بین مردم! اصلاً چنین اجازه‌ای  
 رو نمی‌دادن! یعنی خود امام گاهی اوقات در زمان حضرت هادی  
 علیه‌السلام نگاه می‌کنی خفقان يك جور بود که تو تاریخ می‌خوندم  
 يك نفر از مقابل منزل حضرت هادی علیه‌السلام که رد می‌شد،  
 نگاه به در منزل می‌کرد، دستور می‌دادن آقا رو دستگیر بکنن!  
 فرد رو دستگیر بکنن ببرن! چه ارتباطی داشته با حضرت هادی  
 علیه‌السلام! پادگان نظامی بوده به این وضعیت بوده! خب پس این  
 تاریخ‌ها مشخص هست در چه زمان‌هایی نوشته شده و این‌ها تحت  
 سلطه‌ی چه کسی بودن. طبیعتاً سانسور زیاد اتفاق افتاده! ما می‌بینیم  
 مثلاً فرض بکنید که در ارتباط با شهادت حضرت صدیقه‌ی طاهره  
 علیها‌السلام، بعضی به دو سه خط در تواریخ نتونستن دیگه، تهدید  
 رو بیان کردن. اما نگاه می‌کنی يك نفری که شخصیت دهم اسلامی  
 هم نیست، آدم مهمی هم نیست، چندین صفحه اون مورخ برای این  
 نوشته، اما در مورد فلان شخصیت مهم، فلان حادثه‌ای که اتفاق  
 افتاده، یا نوشته یا دو سه خط يك چیز مبهمی نوشته رد شده!

خب این نشون می ده که اینها عدالت رو رعایت نکردن! لذا تاریخ  
 وقتی خوب هست که بی طرفانه باشه! یعنی در يك زمانی باشه که  
 آزادی باشه، حریت باشه، مورخ هم بنویسه؛ یا این رو بنویسه مخفی  
 بکنه در زمان حکومت نباشه، سالها به دست کسان دیگه ای  
 برسه. اما این تاریخها رو شما هر کدوم رو نگاه بکنی، در زمان  
 خود خلفا نشر پیدا کرده! و حتی جمعی از اینها حمایت کردن!  
 و حتی پول دادن که اینها پخش بشه! خب طبیعتاً اینها موضع  
 داشتن نسبت به ائمه‌ی معصومین، وقتی موضع داشتن يك کسی که  
 دشمن ائمه‌ی معصومین باشه، طبیعتاً به نفع اونها نمی نویسه! الا  
 این که يك سری مبانی هم از زیر دست شون در رفته باشه مثلاً! قلم  
 لغزیده باشه! یا بالاخره دیدن این رو نمی تونن انکار بکنن، اگه انکار  
 بکنن اصلاً تاریخ طرف رو می برن زیر سؤال! مثل این می مونه مثلاً  
 فرض بکنید که يك اتفاقی پارسال افتاده، خیلی مهم هم بوده که هزار  
 نفر هم در يك کشوری همه از بین رفتن، همه کشته شدن، حالا  
 من مورخ در اونجا، من اگه بنا باشه که تا امسال رو بنویسم پارسال  
 رو ننویسم، همه به من می خندن! می گن آقاجون تو مشخصه داری  
 سانسور می کنی! مجبورم مبهم بنویسم، يك کلیتی رو بیان بکنم که  
 من محکوم نشم!

حالا ببینید نکته‌ای که مرحوم آقا شیخ (علامه شیخ مجتبی قزوینی) می‌فرمایند این هست که می‌گن «نقل مورخین دلالت نداره» یعنی دلیل نمی‌شه چون فلان مورخ گفته درست باشه! به علاوه که این مورخین همه زاویه داشتن با ائمه معصومین! مورخ شیعی این رو نگفته. «و موجب علم و اطمینان بلکه ظن هم نمی‌شه». پس این خیلی مهمه که شما گاهی اوقات يك تاريخی رو میارن، چنین چیزی، نسبتی رو می‌دن مثلاً به حضرت مجتبی علیه‌السلام، چنین نسبتی رو در تاریخ میارن که امام حسن مجتبی علیه‌السلام زن زیاد می‌گرفت و طلاق هم زیاد می‌داد؛ این‌ها هست دیگه! می‌گن نگاه کن! در کتاب تاریخی هست! این کتاب تاریخی مال کیه خب؟! این در زمان بنی‌امیه نوشته شده، کسی که در زمان بنی‌امیه نوشته، اصلاً بنی‌امیه حضرت مجتبی رو به شهادت رسانیدند! بنی‌امیه او مدنی غصب خلافت کردن از حضرت مجتبی علیه‌السلام! بنی‌امیه رو دشمنی که با آقا امیرالمؤمنین علیه‌السلام داشتن، جنگ صفین رو به وجود آوردن که جمعی رو به کشتن دادن! بنی‌امیه بهتان‌هایی به امیرالمؤمنین و پدر ایشان زدن که حضرت ابوطالب مشرک از دنیا رفته!

حضرت عبدالمطلب کافر و مشرک از دنیا رفته! خب این‌ها دشمن بودن! ما نمی‌تونیم به این‌ها اعتماد بکنیم!

لذا خیلی مهمه وقتی که ارائه دادن نگاه کنید ببینید این تاریخ هست مال عامه هست؟! ما این رو قبول نداریم که! شما تاریخ شیعه اگه داری، روایت شیعه داری، در کتب شیعه داری، حالا بیار! اون هم تازه بیاری مگه هر روایت شیعه‌ای در کتاب شیعه باشه ما قبول می‌کنیم؟ باید کار سندی بشه، کار محتوایی بشه! گاهی اوقات يك محدث ما فرصت نداشته این‌ها رو بررسی بکنه، دغدغه‌اش این بوده این احادیث از بین نره، تا می‌تونسته این‌ها رو جمع می‌کرده که برای نسل‌های بعد که این‌ها رو مورد ارزیابی قرار بدن. ما می‌بینیم کار مهم محدثین ما رحمة‌الله‌علیهم که خیلی هم مهم بوده، دغدغه‌شون این بوده که احادیث از بین نره، این‌ها فقط جمع بشه! دسته‌بندی می‌کردن جمع بشه، خب خیلی کار بزرگی هست! اگر این کار رو نمی‌کردن ما همین مقدار متونی که در ارتباط با احادیث بود همین‌ها هم نبود دیگه! این احادیثی که چند هزار بود این‌ها نبود. اما به این معنی نیست که هر چیزی که در کافی شریف آورده درسته! هر چیزی که مرحوم شیخ صدوق آورده درسته! ما می‌بینیم که اتفاقاً همون روایتی که آورده روایتی هم مقابله هست!